

نکاتی دربارهٔ فیلم «دهلیز»

برزخی به‌نام انتظار برای قصاص



سحر عصر آزاد

اولین فیلم بلند سینمایی «بهروز شعبی» حاصل تجربه‌ایزوی‌او در کنار فیلمسازان حرفه‌ای سینمای ایران و البته نگاه خاصش به آدماهلی است که در موقعیت‌اشطراب قرار دارند.

فیلم «دهلیز» با فیلمنامه‌ای از علی اصرری که بر اساس طرح اولیه شعبی به نگارش درآمده به موقعیت بحرانی دو خانواده می‌پردازد که این موقعیت متأثر از یک اتفاق در گذشته‌است. دعای او مرد بر سر جای پارک که منجر به مرگ یکی از آنها و محکومیت و زندانی‌شدن دیگری برای قتل غیرمدع شده که پتچال انتظار برای اجرای حکم قصاص با گرفتن رضایت را در پی داشته‌است.

این خلاصه دوحظی قصه جدیدی در سینما و حتی تلویزیون ایران نیست و تاکنون از ژوایای مختلف به آدماه در گیر بحران‌های اینترنتی پرداخته شده‌است. اما آنچه این طرح قصه تکراری را تازه و واجد امتیاز می‌کند نوع نگاه پوسننده و کارگردان به این موقعیت و زاویه دیدی است که برای ورود به چنین قصه و بحرانی انتخاب کرده‌اند. «دهلیز» با دنبال کردن سرگشتگی‌های زنی به نام شیوا شروع می‌شود که با پس‌ترلاطم خود به نام ابرامی زندگی می‌کند و سرپرست خاخور است. در فیلم تلاش شده ابتدا موقعیت شیوا به‌عنوان زنی تنها تثبیت شود زنی که باید گرفتاری‌های کار و زندگی و یک سرپرچه بی‌توان را بر دوش بکشد و در این میان کندهایی از نقاط ناپایداری زندگی او آرایه می‌شود که به‌تدریج موقعیت شیوا را خاص‌تر می‌کند.

با این چنینش انتخابی است که وقتی در پایان ربع اولیه فیلم، گزرنه زن سرپرست خاخور با طراقت به زن یک محکوم به قصاص تغییر پیدا می‌کند، مخاطب احساس نمی‌کند سناشد قصه‌ای آشنا و تکراری از یک مناسبت مشابه صفحه حوادث روزنامه‌های کشورانتشار است. درواقع این نوع نگاه قصه و آدماه و انتخاب شیوا برای خاصی برپهن کردن تدریجی ظرف قصه به‌عنوان بخشی وقتی فیلم به عرصه کشمکش‌های آشنا و معمول بین شیوا و اولیای‌مدی برای گرفتن رضایت می‌افتد، نگاه نداشته باشد. چون ابتدا آنچه دیگری را به‌عنوان سبقت پیدا کرده که قلاب اولیه را به‌عنوان مخاطب شناخته و همراهی او را خواهد مختصاتی تازه کرده‌است.

همین زاویه نگاه برای طرح و بسط قصه است که به‌تدریج خلاصه دوخطی اولیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در این میان قصه پتر (بهراد) و بسری (امیرعلی) برجسته می‌شود که پس از پتچسال‌همدیگر را بازمی‌یابند. پتر تازه متوجه می‌شود پدرش نمرده و در همه این سال‌ها در زندان بوده و پدر هم امید به آفاشه را پیدا می‌کند. هرچند ابتدا امیرعلی فکر می‌کند پدر به‌خاطر کار در زندان است ولی در پایان به یک خاکسار بودن می‌پردازد و به روش خودش برای نجات او تلاش می‌کند. نکته مهم اینجاست که این دو قصه به‌دیهمان را به یک طرف قصه می‌کشند. چون در یک اتفاق یکدیگر گنجانیده شده‌اند که یکدیگر را ارتقش نمی‌کنند بلکه اتفاقا حال



و هوای یکدیگر را تغییر و تحت تأثیر قرار می‌دهند. این تغییر به‌گونه‌ای است که هرچند فضای احساسی این موقعیت – که در پطن خود احساسات‌ناگنیز است – تشدید می‌شود چرا که با پس‌ر و پدری روبرو هستیم که تازه یکدیگر را یافته‌اند. اما این ویژگی را هم دارد که تلخی موقعیت بر تمرکز بر حس و جان بین آنها تلطیف شده و روح امید بر آن موقعیت برپا می‌دهد. می‌توان به این موضوعات اشاره کرد که به‌زاد در زندان

وعدیگری که به‌خوشندی در پرداخت فیلمنامه و طرح‌دهان‌های فرعی وارد شده، طرحی موهفها و موقعیت‌های است که کار کرد دو‌گانه پیدا می‌کند. به این مفهوم که در عین امکانی که برای بروز و نمود رفتاری و رفتاری‌دهنده از کارکناره ایجاد می‌کنند. در موقعیت‌های تعیین‌کننده کارکناره می‌توان به اسب‌چوبی‌ای اشاره کرد که به‌زاد در زندان

برای امیرعلی درست می‌کند و به‌آضر او برای مکهکاسی‌اش می‌مساز. درمیان اسب در سکناس قناتل و روبرویی او به‌سرپیرجه کار کرد ناپویه خود را پیدا می‌کند چرا که سفیر اولیه اشنی استیماراهی که می‌رویم و پتچسدهشیدن ضروری‌شود و این مفهوم درونی را به‌همراه دارد که دست‌های به‌زاد در ساختن هم دارند و به کاری جز قتل هم می‌ایند.

همین تحلیل را می‌توان به یک موقعیت به‌ظاهر ساده اما تعیین‌کننده کرد. تمیم داد موقعیتی که پدر از امیرعلی می‌خواهد از همسایه برای خریدن شیشه خنجر خرید و امیرعلی با سادگی دو کدکشان می‌پرسد «آه اینجوری بگم، می‌خشه؟» این جمله وقتی کار کرد خود را پیدا می‌کند که به‌زاد به خطای خود نزد پسرش اتراف می‌کند و امیرعلی او می‌خواهد مخترق‌ش‌خواهی کند تا او را بخیشتند.

درواقع امتیاز اصلی فیلم «دهلیز» این است که هرچند از دریچه نگاه آمیزه نگاهای رنگارنگ و فاکتور و احساسات‌ناگنیز به این موقعیت درام دارد اما پس‌تدریج با دنیای ساده و مصممه‌ای دوکدک فیلم همراه می‌شود. چیزی که پتچسال تلاش آمیزورگه‌ها برای گرفتن رضایت به نتیجه نرسیده، سرانجام کار به دو کدکان واکتار می‌شود تا با یکدیگر به کمک همای که از دنیای زیرگتارهاومرآیون‌ها، مشکل را حل کنند. وقتی به‌خروج‌الفراد در گیر این پرونده‌قصاص از برخی پتچساله‌نگاه کنیم، اما به‌صمدت‌حاکمات‌هویت خودشان و به‌شیر و پیر و زانو و نامور و خواهران و شوهر‌خواهرانش منتقل و حتی ریسس زندان و ختم مددکار و…

آنچه بیش از پیش خودمانی‌هم می‌کند کشش ازجمله‌است که نپوسنده کارکناره «دهلیز» برای دنیای دوکدکان بازی اشتنا و اعتدالی که به این جمله دارد: «دو کدکان هرچند هم بهترین آدم‌های جهان باشند».

«قتل به‌ضمون از گفت‌های بهروز شعبی

کارگردان فیلم: «دهلیز»

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: (می‌خندند) جطور؟

آقای شعبی: این‌ها سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم

شعبی: سربالی به نام «بازیرگ» که کارگردان آن مرحوم رضا صفدری

بود. این سال‌ها هم‌کار خلی‌ها به مکهکاری نشانید و فقط درواور کار به‌همدیگر را دنبال می‌کردیم یا اینکه به «دهلیز» رسیدیم. زمانی که حتی

فیلمنامه کلی‌تر نشده و در مرحله‌ایساخت بود. دوز بازی‌ش را با ایشان

تمام گرفتیم. آقای عطاران دو منتهای زمانی بود که ما دنبال پروژه تازه بودیم و مطمئن نبودیم که هر زمانی کار کلید می‌خورد. ایشان هم

جستل دورخانی به یکسری توقافتی رسیدیم. هنگام فیلمبرداری هم

خطی حجت تبدیل کردیم. منتهای همه‌چیزها در مورد بازی‌های ایشان نبود.

آقای شعبی تا جایی که سلفه کار‌ای‌ان را دنبال کردیم. منتهای

مسئله‌سلفه‌سلفه‌سلفه کار کردیم. در حال حاضر سلفه‌سلفه‌سلفه می‌توانیم